

نگاهی به تخریب خانه ملک الشعراى بهار به بهانه سالروز تولد این شاعر

# غبار بی توجهی روی خانه‌های تاریخی

مهدي عباسي

۱۶ آبان سالروز تولد ملک الشعراى بهار است. اگر روزی «مرغ سحر ناله سر کن» برای آزادی سروده شده بود، امروز «مرغ سحر» ملک الشعراى بهار، برای خانه خود شاعر این بار «ناله سر می‌کند». خانه‌ای که این روزها گرد تخریب و بی توجهی بر روی آن نشسته است. گردوغباری که برای رفتنش دل به تدبیر دولت یازدهم بسته تا سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، روح تازه برای احیای خانه‌های تاریخی ایران و بالخصوص تهران، بدمد.

انتهای کوچه گوهر در خیابان ملک الشعراى بهار، خانه‌ای است که در انزوای کوچه، گیر کرده است. اینجا خانه منتسب به ملک الشعراى بهار است. اگرچه اهالی آن کوچه به هر دلیلی، می‌کوشند این موضوع را تکذیب کنند و آدرس‌های دیگری را اعلام می‌کنند. خانه‌ای که روز به روز بیشتر به سمت تخریب پیش می‌رود و هنوز برای احیای آن چاره‌ای اندیشیده نشده است. روزی انباری بوده و اینک فقط کلاخ‌ها هستند که هر روز روی درختان حیاط این خانه می‌نشینند و اجازه ورود دارند. هرچند این خانه تاریخی، دوم بهمن ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و حدود ده سال از شناسایی و ثبت آن می‌گذرد، اما به نظر می‌رسد هنوز پرونده مرمت خانه ملک الشعراى بهار باز نشده است. جالب اینجاست که تا هفت سال پیش، سه‌چهارم خانه به عنوان انبار در اختیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بوده و در آن، لوازم اداری فرسوده را نگهداری می‌کردند تا اینکه گویا سازمان اسناد در سال ۱۳۸۵ این خانه را تخلیه کرده است.

درباره این خانه هر از چند گاهی، نوشته‌هایی منتشر شده، ولی اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، بعید نیست تمام خاطرات این خانه و خانه‌هایی از این دست، زیر بتون‌ریزی فونداسیون‌های ساخت و سازهای جدید له شود. می‌گویند، خانه بهار به دلیل شخصیت فرهنگی و ساده مالک آن، تزیینات ندارد و به نوعی نشان‌دهنده نوع فکر خاص ملک الشعراست. **در ساخت این بنا از مصالح مرسوم همان دوران مانند آجر قزاقی، چوب، موزاییک، شیشه، گچ، تیر چوبی و تیر آهنی استفاده شده است. از معمار این بنا نیز اطلاع دقیقی در دست نیست. خانه از نظر ساخت، شکلی بسیار ساده دارد و خلّاقیت و نوآوری ویژه‌ای در آن دیده نمی‌شود.**

پس از تخریب شدن دروازه‌های قاجاری تهران توسط رضاشاه، دوره‌ای از شهرسازی مدرن در تهران آغاز شد و به سرعت پیشرفت کرد، به شکلی که خیابان انقلاب درست پس از محل قدیمی بارو و خندق اطراف آن ساخته شد و متعاقب آن، خیابان‌های فرعی متصل به آن سامان یافتند. از آن جمله می‌توان از خیابان‌های بهار، خاقانی، جاده قدیم شمیران، فردوسی و... نام برد که به مرور زمان و تا پایان دوران پهلوی اول شکل کامل‌تری به خود گرفت و بناهای ارزشمندی در اطراف آن ساخته شد. در همین دوران، یعنی فاصله زمانی اواخر پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم خیابان‌های مهم‌تری مانند خیابان تخت جمشید (طالقانی) و فرعی‌های متصل به

آن مانند ملک الشعراى بهار ساخته شدند که با توجه به مسائل عنوان‌شده، خانه قدیمی ملک الشعرا از مصادیق بارز هویت ساخت خیابان ملک الشعرا و طالقانی بوده و نشان‌دهنده دوران تاریخی ساخت این بنا و احداث خیابان‌های مربوط به آن است. شاید میراث فرهنگی دلیل بی‌توجهی به این خانه را تا چند سال پیش، انبار شدن آن توسط یکی از مستاجران آن بدانند، اما حالا هفت سال از تخلیه آن بخش‌ها توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌گذرد و حالا زندگی روزمره‌ای که براساس ضوابط و قوانین میراث فرهنگی است، در خانه جریان دارد. **گفتنی است، خانه بهار باغ بزرگی بوده در بیرون از**

دروازه دولت که شامل یک حیاط بزرگ اندرونی می‌شده که با ساختمان مسکونی دور تا دور آن و باغی بزرگ و پر از گل و گیاه، بهار آن را در سال ۱۳۱۰ از خانواده هدایت خریداری کرد. ساختمان نیمه‌تمام آن را تکمیل و به منزل بزرگ و جاداری برای خانواده تبدیل کرده بود. بنای موجود در این خیابان نیز به سبک بناهای دوران تجدد و نوگرایی در تهران و پس از ساخته شدن خیابان‌هایی با شکل جدید (خیابان طالقانی) ساخته شده است. اما فقط این مباحث به خانه بهار ختم نمی‌شود؛ خانه پیرنیا، خانه اتحادیه، مدرسه دارالفنون و بسیاری موارد دیگر، وجود دارند که گرد بی توجهی روی آنها ریخته شده است.

